



ایران ورجاوند

مجله ایران‌شناسی | سال ۳ | شماره ۴ | بهار و تابستان ۱۳۹۹ | ۳۰۰۰۰ تومان

- ◆ باستان‌شناسی چشم‌انداز
- ◆ تالارهای ستون‌دار خوارزم باستان
- ◆ قوم‌باستان‌شناسی، قیاس تمثیلی و جامعه باستان
- ◆ کارکرد آتشکده‌ها و چهارتاقی‌های استان ایلام در زاگرس مرکزی
- ◆ مطالعه زمین‌سیمای گذشته: زندگی شده، بازسازی شده و زنده شده
- ◆ تاریخچه باستان‌شناسی چشم‌انداز (منظر): سنت‌ها و رویکردهای عمده
- ◆ بررسی اشکفت و محوطه باز پل حسین‌لی در دشت میانکوهی آسمان‌آباد ایلام

ایران ورجاوند

ایران ورجاوند زنده است



مجله ایران شناسی

سال ۳ | شماره ۴ | بهار و تابستان ۱۳۹۹ |

شماره ثبت مجله: ۸۰۶۸۸ | شماره ثبت نشان: ۲۹۶۲۹۸ |

صاحب امتیاز و مدیر و سردبیر: دکتر شاهین آریامنش |

مدیر داخلی: هوشنگ رستمی |

نشان مجله ایران ورجاوند برگرفته از گچبری ساسانی یافت شده از تیسفون عراق مربوط به دوره ساسانی است. داستان این گچبری به سال‌ها پیش بازمی‌گردد هنگامی که اسکار رویتر باستان‌شناس آلمانی همراه گروهش در سال ۱۹۲۹ میلادی در تیسفون در محدوده ساختمان بزرگی با نام معارید در حدود ۳ کیلومتری تاق کسری و ۱/۷۵ کیلومتری شمال دهکده سلمان پاک به کاوش‌های باستان‌شناسی پرداخت که در این کاوش‌ها از محلی که سپس‌تر خانه معارید ۶ نام گرفت شماری صفحه‌های گچبری گرد به دست آورد که در میان آنها صفحه‌گردی با دو بال گشوده شده از روبه‌رو وجود داشت که این دو بال، نشانی به شکل هلال ماه را دربر گرفته‌اند. این گچبری در موزه برلین آلمان نگهداری می‌شود.

تصویر جلد: شانه زرین سکایی از محوطه سلوخوا، که به احتمال یونانیان ساخته‌اند. اوایل سده چهارم، موزه ارمیتاژ روسیه

تهران، صندوق پستی: ۱۴۵۱۵-۵۶۹

www.iranvarjavand.ir

Iranvarjavand@hotmail.com

۰۹۳۹۵۹۶۹۴۶۶



همه حقوق این اثر برای ایران ورجاوند محفوظ است. تکثیر، انتشار، چاپ و بازنویسی این اثر یا بخشی از آن به هر شیوه همچون رونوشت، انتشار الکترونیکی، ضبط و ذخیره روی سی دی و چیزهایی از این دست بدون موافقت کتبی و قبلی مجله ایران ورجاوند ممنوع است و متخلفان بر پایه قانون «حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» تحت پیگرد قرار خواهند گرفت.

| با همکاری گروه پژوهشی باستان‌کاوی تیسافرن |



”سیاهه“

مقاله

- ۴ بررسی اشکفت و محوطه باز پل حسینه‌لی در دشت میانکوهی آسمان‌آباد ایلام | علی نوراللهی
تالارهای ستون‌دار خوارزم باستان | مایکل میناردی، آلیسون و. جی. بتس و غیرت‌دین خُزانی‌زُف، ترجمه آرشاک
ایروانیان ۱۶
کارکرد آتشکده‌ها و چهارتاقی‌های استان ایلام در زاگرس مرکزی | علی نوراللهی ۴۷

پرونده

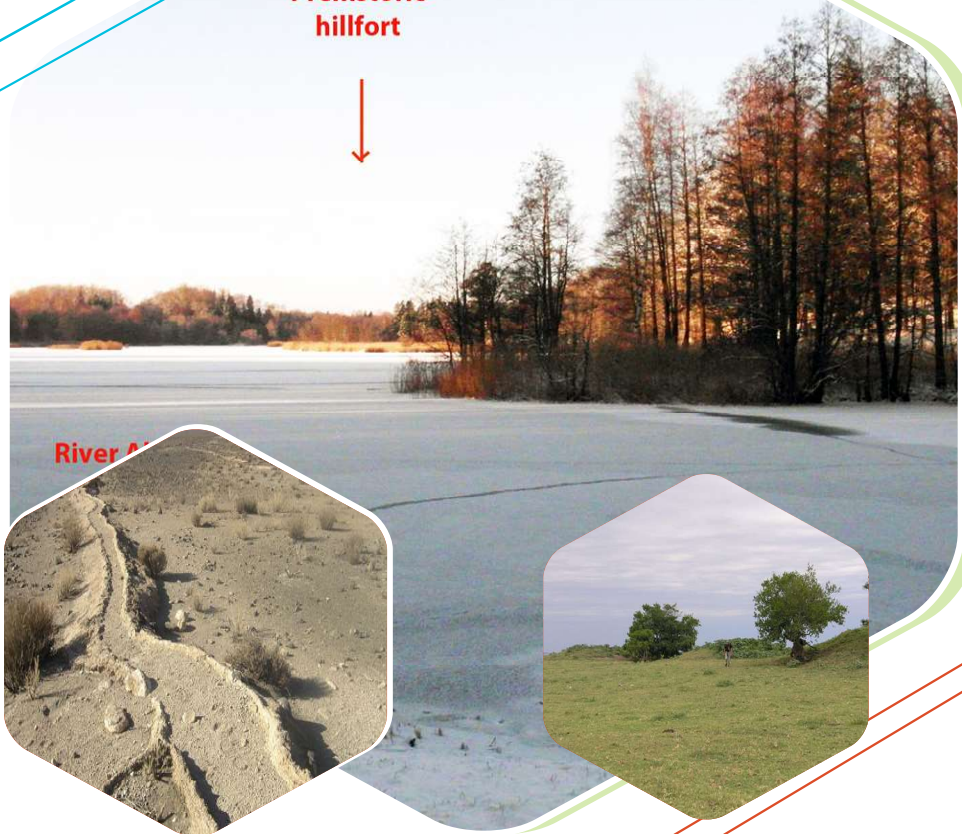
- تاریخچه باستان‌شناسی چشم‌انداز (منظر): سنت‌ها و رویکردهای عمده | مارینا گکیاستا، ترجمه سمانه فرخی
عیسوند ۷۸
باستان‌شناسی چشم‌انداز | سزار پارخرو اوینا، فیلیپه سرایدو بوآدو و داوید باریرو، ترجمه علی اصغر سلحشور
۱۲۳
مطالعه زمین‌سیمای گذشته: زندگی‌شده، بازسازی‌شده و زنده‌شده | کریستا کارو، ماریکا ماگی، هانس پالانگ،
ترجمه محسن دانا ۱۳۸
قوم‌باستان‌شناسی، قیاس تمثیلی و جامعه باستان | مارک ورهوفن، ترجمه علی اصغر سلحشور ۱۵۷

پیشخوان

- ۱۷۹ اخلاق باستان‌شناسی | حسین صبری
۱۸۳ سکاها | شاهین آریامنش



Prehistoric
hillfort



River A

باستان‌شناسی چشم‌انداز و قوم‌باستان‌شناسی

باستان‌شناسی چشم‌انداز*

سزار پارخرو اوبینا، فیلیپه سرایدو بوآدو و داوید باریرو

ترجمه علی اصغر سلحشور
دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تهران

تغییرات کلی در بنیادها و اصول نظری مباحث باستان‌شناختی که در طول زمان و به ویژه در میانه قرن ۲۰ رخ داده و دوم، چشم‌اندازهای نظری متفاوت، در گذشته و حال، در خصوص مفهوم محوری چشم‌انداز که نه تنها در ادبیات باستان‌شناختی، بلکه در زمینه‌های دیگری مانند جغرافیا و انسان‌شناسی توسعه و تکامل یافته است.

تعریف

هرچند با تعریف چشم‌انداز خطر ساده‌سازی بیش از اندازه وجود دارد، اما می‌توان گفت که استفاده از مفهوم چشم‌انداز در باستان‌شناسی به سه شیوه متفاوت که گاهی اوقات مکمل همدیگر بوده و در زمان‌هایی نیز رابطه‌ی متقابل زیادی با هم داشته، ادراک شده است.

- به عنوان بافت بهتر آن است که ثبت و ضبط مواد فرهنگی (به عنوان مثال، با تجزیه

تاکنون هر تعریفی که از باستان‌شناسی چشم‌انداز ارائه گردیده، به زمینه و حوزه متنوع و تا اندازه‌ای ناهمگن و نامتجانس پژوهش باستان‌شناسی اشاره داشته است. برخی از دیدگاه‌ها نسبت به مدارک و اسناد باستان‌شناختی پیرامون این محور قرار می‌گیرند و در واقع در یک ویژگی مشترک سهیم هستند: تجزیه و تحلیل فرهنگ مادی و بعد فضایی فعالیت انسانی؛ به عبارت دیگر، توضیح اینکه چگونه اجتماعات انسانی با فضای جغرافیایی در طول زمان ارتباط پیدا کرده‌اند و در خصوص اینکه چگونه این فضا را انتخاب کرده‌اند و / یا سیما و منظر آن را به واسطه‌ی فعالیت و اهمیت آن را از راه تجارب، رویه‌ها و عادات فرهنگی تغییر داده‌اند.

دو دلیل در این مورد وجود دارد و توضیح می‌دهد که چرا باستان‌شناسی چشم‌انداز تا به امروز مفهوم گسترده‌ای داشته است. نخست،

* این مقاله برگردانی است از:

Landscape Archaeology (2014), Cesar Parcero- Oubina, Felipe Craido- Boado and - David Bareiro, Claire Smith (eds.) Encyclopedia of Global Archaeology-Springer-Verlag New York

و تحلیل الگوهای استقراری یا باستان‌شناسی سایت کوچک و کم‌اهمیت) فهمیده و ادراک گردد.

- به عنوان شیء واقعی، که پژوهش باستان‌شناختی برای بازسازی واقعی و قطعی آن کمک می‌کند و این کار را با ایجاد تصویرسازی و اینکه چگونه چشم‌اندازهای باستانی در هر لحظه‌ی خاص در گذشته (به عنوان مثال، از راه بازسازی محیطی) دیده می‌شدند، انجام می‌دهد.

- به عنوان هدف و منظور پژوهشی باید این نکته را در نظر گرفت که چشم‌اندازهایی که ما امروزه مشاهده می‌کنیم، ه میکه ما امروزه می‌باید این نکته را در نظر گرفت که خودشان باید به عنوان مدرک و سند باستان‌شناختی به صورت کل در نظر گرفته شوند. چشم‌اندازهای کنونی بیشتر «مصنوعات و اشیای» مشخصی خواهند بود که توسط گروه‌های انسانی در طول زمان تولید شده‌اند.

زمینه‌های تاریخی

از دیدگاه تاریخ‌نگارانه، مبدأ بیشتر مفاهیم در مورد باستان‌شناسی چشم‌انداز در جغرافیا مستتر شده است. در پایان قرن ۱۹، جغرافیدانانی مانند راتزل^۱، هتیزر، اسلوتور^۲، یا ویدال دولابلاش^۳ بر اهمیت تجزیه و تحلیل روابط متقابل میان انسان‌ها و محیط‌هایشان تأکید کردند. هرچند با زمینه‌های متفاوت (و گاهی متعارض)، اما آنها راه را برای مکاتب اولیه‌ی

جغرافیای منطقه‌ای گشودند. حقیقت این است که در آن برهه‌ی زمانی، تأثیر مستقیم آنها بر باستان‌شناسی چندان قابل اهمیت نبود. هرچند آنها به دلیل دو سنت که تأثیر عمده را بر توجه و علاقه باستان‌شناختی به مفهوم چشم‌انداز که پس از آنها توسعه یافتند، اهمیت داشتند. از یک سو، یکی شدن و یکپارچگی طرح‌های پیشنهادی ویدال دو لا بلاش با چهارچوب نظری مکتب فرانسوی آنالیس^۴ و از سوی دیگر، مبحث موسوم به جغرافیای فرهنگی، به ویژه در کارها و آثار کارل سوئر^۵ (مکتب برکلی) در ایالات متحده (تصویر ۱).

در ابتدا مکتب آنالس تأثیر مهمی را بر منطقه‌ی مدیترانه و به ویژه فرانسه که کانون مکتب بود و سنت طولانی‌مدت باستان‌شناسی در آنجا رشد و توسعه یافته بود، داشت. اصولاً این نوع از باستان‌شناسی به تجزیه و تحلیل نحوه شکل‌گیری چشم‌اندازهای روستایی، شناسایی اشکال چشم‌اندازهای زمینی و ارضی دوران باستان و بازسازی فرایندها و روندهای اجتماعی در پس‌شکل‌گیری آنها تمرکز و تأکید داشت. مطالعه دفاتر ثبت و ضبط اراضی و زمین‌های باستانی در میان رایج‌ترین مظاهر و نمودهای آنها قرار دارد. این سنت باستان‌شناختی بر اساس بررسی‌ها و اکتشافات جزئی و مستندات ساختارهای باستانی که مکرراً در چشم‌انداز قابل مشاهده است، شکل گرفته است. این کار با استفاده همه‌جانبه از منابع اطلاعاتی مانند عکس‌برداری هوایی که قابل تعمیم به

1 Ratzel

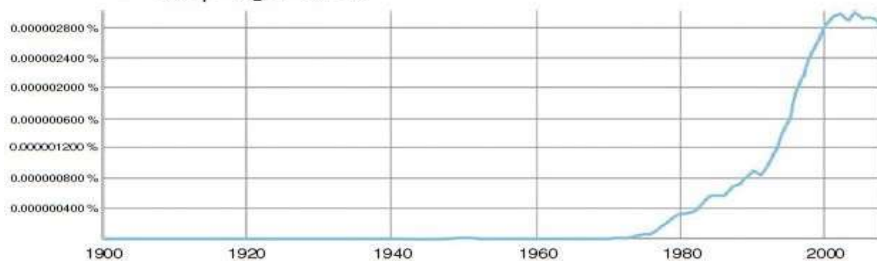
2 Slutter

3 Vidal de la Blache

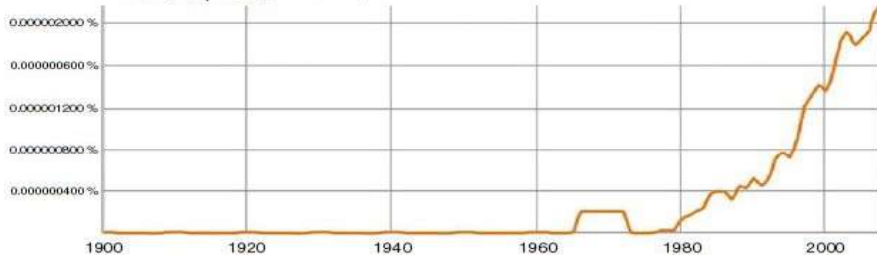
4 Annales

5 Carl o. Sauer

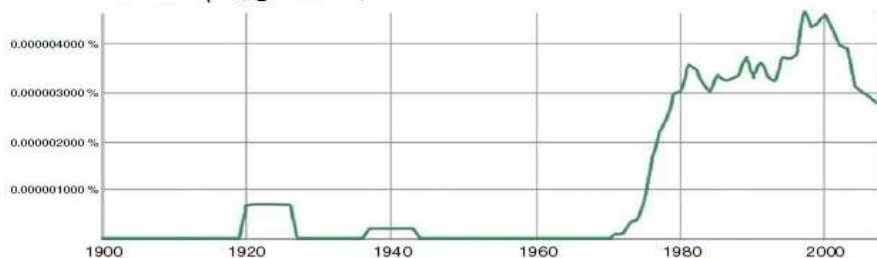
باستان‌شناسی چشم‌انداز



باستان‌شناسی چشم‌انداز



باستان‌شناسی چشم‌انداز



تصویر ۱. پیدایش و وقوع نسبی اصطلاح «باستان‌شناسی چشم‌انداز» در کتاب‌های منتشر شده در سراسر قرن ۲۰ و آغاز قرن ۲۱ در انگلستان، اسپانیا و فرانسه (داده‌ها به وسیله‌ی Google Ngram Viewer (قابل دستیابی در تاریخ ۲ سپتامبر ۲۰۱۱) گردآوری شده‌اند. مقیاس‌ها و سنجه‌های عمودی در هر نموداری متفاوت است.

و ارضی دوران باستان و به ویژه دوران‌های تاریخی مانند روم و قرون وسطی به واسطه‌ی آنکه منابع نوشتاری مکمل آنها فراوان هستند، بازسازی کرد.

در مورد ریشه و اصل جغرافیای فرهنگی، نخستین دیدگاه‌ها و پیشنهادات، ارتباط بعد فضایی برای ادراک اسناد و مدارک باستان‌شناختی بود که ابتدا در بافت‌ها و ادبیات

باستان‌شناسی است و ارتباط نزدیکی با توسعه این سنت دارد، صورت می‌گیرد. در واقع، این منابع مکمل استفاده از منابع اسنادی و مستدل، مانند دفاتر تاریخی ثبت و ضبط زمین‌ها و اراضی هستند. بخش قابل توجهی از پژوهش‌های باستان‌شناختی در این چهارچوب قابل اجرا و انجام بوده و این امکان را فراهم می‌سازد که اشکال فضاهای زمینی

بریتانیایی و آمریکایی رشد و توسعه یافت. کتاب آستون و رولی^۱ (۱۹۷۴) اولین کتابی است که مفهوم باستان‌شناسی چشم‌انداز را به عنوان واقعیت مشخص و متفاوت از مطالعه‌ی چشم‌اندازهای روستایی فاوت از عه یافت. معرفی می‌کند که این کار توسط جغرافیدانان و مورخان انجام شده بود (با اثر دبلیو. هاسکینز^۲ که به ویژه در ادبیات بریتانیا تأثیر زیادی بر جای نهاد).

از دهه ۱۹۶۰ و به ویژه دهه ۱۹۷۰ علاقه به بعد فضایی مدارک و شواهد باستان‌شناختی بیشتر شد که این بعد در ارتباط نزدیک با باستان‌شناسی نو و باستان‌شناسی محیطی بود. این تکاپوها به همراه تأکید فراوان بر روش‌شناسی، پنجره‌ای را به سوی یکپارچگی باستان‌شناسی با استفاده از روش‌ها و تکنیک‌های توسعه یافته در دیگر رشته‌های علمی و به ویژه جغرافیا گشود (مانند تجزیه و تحلیل موقعیتی و مکانی و تجزیه و تحلیل حوزه آبریز سایت). همچنین مفاهیمی مانند فضا و محیط در پژوهش‌های باستان‌شناختی آن دوران اهمیت فراوانی یافتند. همه‌ی این ابداعات و ابتکارات به تجزیه و تحلیل ارتباط میان گروه‌های انسانی و محیط اطرافشان در انطباقی گسترده و همه‌جانبه و چشم‌اندازی اقتصادی کمک کرد.

از دهه ۱۹۹۰ به بعد و در ارتباط با دیدگاه‌های فرا روندگرایی، مفهوم فضا که در سال‌های پیش از آن استفاده می‌شد، با مفاهیم جبرگرایانه، مدرن و عقلانی به چالش کشیده شد. در نتیجه، به‌کارگیری آن برای بافت‌های

فرهنگی به استثنای جهان معاصر غربی، هیچ معنایی در برداشت، از این‌رو، آن را برای بیشتر بافت‌هایی که پژوهش‌های باستان‌شناختی به آن گرایش داشت، به کار بستند. در ادبیات و متون بریتانیا نویسندگان به دنبال یافتن معادل دیگری برای آن بودند و در ادامه مفهوم چشم‌انداز را از نو قاعده‌مند ساختند: در مقابل محیط خارجی و بیرونی و مقدم بر انسان‌ها، به این نتیجه رسیده شد که چشم‌انداز باید به عنوان ساختاری فرهنگی و اجتماعی، مفهومی سازمان یافته و مدیریت شده، متناسب و متعادل شود و در نهایت ادراک گردد، و هم از نظر مادی و هم مفهومی نظام یابد. با وجود آثار فراوانی که در این زمینه منتشر شده است، اما اثر سی. تیلی^۳ با عنوان پدیده‌شناسی چشم‌انداز^۴ که این دیدگاه‌ها و ایده‌ها به تفصیل و برای نخستین بار در بافت و چشم‌اندازی باستان‌شناختی مورد بررسی قرار گرفت، اثر شاخص و برجسته به حساب می‌آید. این اصول مطابق با گرایش‌های مفهومی که پیش از آن در رشته‌های دیگر علوم اجتماعی مانند مطالعات ادراکی جغرافیا یا برنامه‌ریزی (به عنوان مثال، Lynch 1960) ایجاد شده بود، با پارادایم و الگوی پوزیتیویستی و اثبات‌گرایی به چالش کشیده شد. ارتباط میان انسان‌ها با چشم‌انداز از نظر انطباق یا غارت و عدم تطابق به طور کامل توضیح داده نشده بود، اما از مفاهیم مختلفی چون ادراک، تجربه، التزام و تعهد در آن استفاده گردید که در ادامه تقابل و تضاد میان مفاهیم فضایی و چشم‌انداز، به این صورت که در ابتدا تا اندازه‌ای بی‌اثر و مغایر با تجربه انسانی بودند و پس از آن تا

1 Aston and Rowley

2 W. Hoskins

3 C. Tilley

4 Phenomenology of Landscape

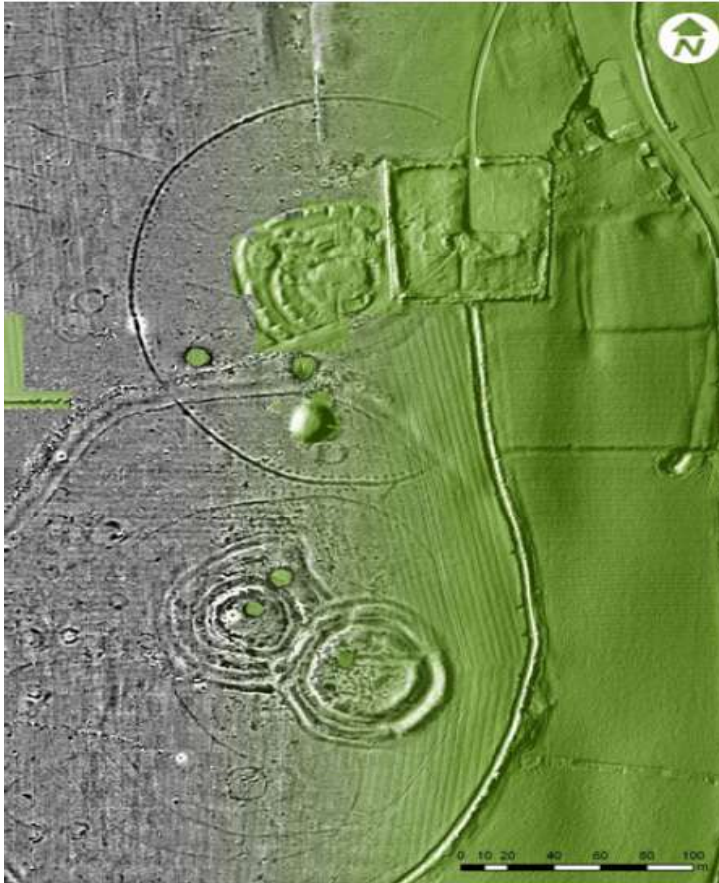


تصویر ۲. سريتوس دی ایندیوس (Cerritos de indios) در اوروگوایان روخا (Uruguayan Rocha). باستان‌شناسی چشم‌انداز به تجزیه و تحلیل چشم‌اندازهای مشخص انواع مختلف ویژگی‌ها و ریخت‌های مصنوعی مانند یادمان‌های تدفینی علاقه‌مند شده است.

اندازه‌ای متناسب، تجربه‌گرا و دریافت و ادراک گردیدند، افزایش یافت (تصویر ۲).
 آن دیدگاه‌ها و اصول در طول دهه ۱۹۹۰ و پس از آن به موفقیت دست یافتند، اگرچه آنها به این متهم شده بودند که در آن دوران بیش از حد عقلانی و اندیشه‌محور بودند، نسبت به داده‌ها، مدارک و شواهد باتسامح و تساهل برخورد کرده‌اند یا روش‌شناسی محکم و مستندی نداشته‌اند. در هر صورت، اگرچه در برخی مناطق، اثرات زیادی بر جای نهادند، تأثیر اندکی را در مناطق دیگری که هنوز سنت‌های تئوریک تسلط داشت، به جا گذاشتند. از جمله در فرانسه که تمایلات عمده در باستان‌شناسی چشم‌انداز،

مطابق سنت‌هایی بود که ملهم و متأثر از مکتب آنالس ایجاد شدند و در مناطق دیگر هم همین دیدگاه باقی مانده بود (به عنوان مثال، Bintliff et al. 200). البته این مکتب نه در ایتالیا و نه اسپانیا که دارای سنت‌های متفاوت و ناهمگون هستند، رایج نشد، ذکر این نکته نیز جالب است که تأثیر ماتریالیسم تاریخی در توسعه اجتماعی باستان‌شناسی چشم‌انداز شرق را یادآور شویم، سنتی که در آمریکای لاتین نیز با موفقیت به کار خود ادامه داد.

موضوعات کلیدی / مباحث جاری
 موضوعات و مسائل اندکی را می‌توان پیرامون



تصویر ۳. توسعه‌ی تکنولوژیهای زمین- فضایی موجب شده تا مدارک و مستندات جزئی از چشم‌اندازهای بزرگ- مقیاس که پیش از آن امکان‌پذیر نبود، در اختیار قرار گیرند. استفاده توانمند از روش‌های بررسی زمین‌فیزیکی و ردیابی به وسیله سیگنال‌های نوری با وضوح بالا در تپه تارا، ایرلند. (عکس از © The Discovery Programme, 2011). استفاده با اجازه عکاس (با سپاس فراوان از آنتونی کورنر).

هستیم. بخش بسیاری از ادبیات آکادمیک (به ویژه تأثیرگذارترین آنها) حول احتمالاتی مبنی بر توسعه دیدگاه ملهم و متأثر از پدیده‌شناسی در محیط چشم‌انداز حرکت می‌کرد. زمینه اصلی چنین مباحثی پیرامون سازگاری و انطباق واقعی این دیدگاه‌ها توسعه و تکامل یافت. در مورد دیگر دیدگاه‌های انتقادی، آنچه که بیش از همه قابل ذکر است، دیدگاه انتقادی

رویه جاری و کنونی باستان‌شناسی چشم‌انداز شناسایی کرد. نخست، ارتباطات نظری و پرسش‌های مفهومی. همانطور که در بالا ذکر شد، دهه ۱۹۹۰ دوره‌ای است که باستان‌شناسی چشم‌انداز به اوج موفقیت و محبوبیت خود دست یافت. در چنین موقعیت حساسی، شاهد همزیستی و سازگاری دیدگاه‌های مختلف و در نتیجه شاهد افزایش شمارگان آثار منتشر شده



تصویر ۴. کانال‌های آبیاری پیش از ورود اسپانیایی‌ها در منطقه‌ی خشک آلتو لوا (Alto Loa) در صحرای آتاکاما (شیلی). دیدگاه‌های زمین‌باستان‌شناختی نسبت به چشم‌انداز محرک‌های قوی جدیدی را در سال‌های اخیر پیدا کرده که بر تجزیه و تحلیل تغییرات محیطی و اثر انسانی تأکید دارد.

برای انواع طرح‌ها و دیدگاه‌های تئوریک و نظری و اهداف و مقاصد پژوهشی در حال انتشار، مناسب بود.

اگرچه تاکنون ادعاهایی در مورد بلوغ فکری و پیشرفت‌های اساسی در این زمینه مطرح نشده است، اما زمینه‌های جالب فعالیت در سال‌های اخیر (به عنوان مثال، Hamilton et al. 2006) ایجاد شده است.

به‌طور کلی و از جنبه‌های متفاوت، سال‌های اخیر جهش بسیاری در دیدگاه‌های علمی در مورد تجزیه و تحلیل محیطی مانند زمین‌باستان‌شناسی به وجود آمده است. به عنوان مثال، در کتابی که اخیراً توسط بی.

فلمنینگ^۱ (۲۰۰۶) به دلیل تأثیرگذاری قابل توجه آن است. چنین مباحثی هنوز به قوت خود باقی مانده‌اند و به فعالیت خود ادامه می‌دهند و بنیادهای تئوریک و نظریه باستان‌شناسی چشم‌انداز و مفاهیم مرتبط با چشم‌انداز که احتمالاً در پس آن نهفته باشد را متأثر می‌سازد (به عنوان مثال، جدیدترین نمونه همکاری مربوط می‌شود به Barrett & Ko 2009).

در همین زمینه، برخی دیدگاه‌ها و نظریات پرسش‌ها و ابهامات اساسی و مهمی را مطرح کرده‌اند که باستان‌شناسی مرتبط با پسا‌روندگرایان تا حدودی در این زمینه پیش‌تاز بودند: توسعه روش‌شناسی‌های اصلی و ابتکاری و رویه‌ها و فرایندهای کار میدانی

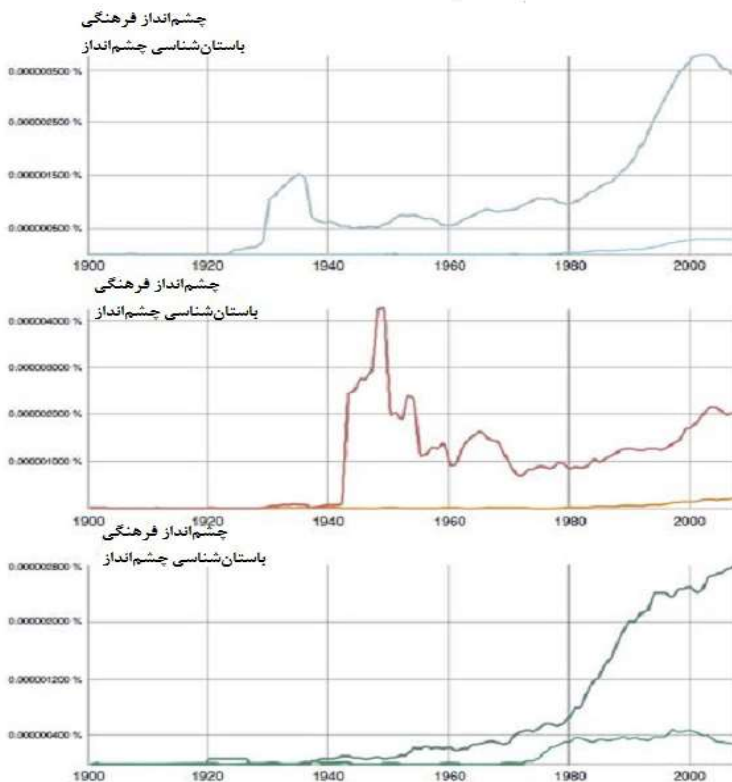
دیوید و جی. توماس^۱ ویراستاری و تدوین شده (۲۰۰۸)، ۲۴ مورد از ۶۵ آثار در زمینه چشم‌انداز و در حوزه این مفهوم قرار گرفتند. این امر با برخی بهسازی‌ها و پیشرفت‌های تکنولوژیک و فنی ارتقا یافته است: افزایش قابل توجه در قابلیت دسترسی به شمارگان بیشتر و تکنیک‌ها و ابزارهای اصلاح شده برای کمک به پژوهش‌های باستان‌شناختی و نیز به دست آوردن اطلاعات مورد نیاز از مواد فرهنگی و مدارک و شواهد محیطی (به عنوان مثال، Reindel & Wagner 2009). احتمال و امکان گردآوری اطلاعات بیشتر از سنج‌ها و مقیاس‌های بزرگ‌تر و نیز دقت در مطرح ساختن مسائل و ابهامات چالش‌برانگیز برای ابهامات چالش نیاز از مواد فرهنگی و مدارک و شواهد محیطی مدیریت داده‌ها و پردازش اطلاعات وجود دارد. اما در عین حال، این بدان معناست که احتمالات و امکانات دستیابی به موفقیت و غلبه بر مقیاس محدود آنالیزی در مورد یک محوطه و انجام پژوهش‌های همه‌جانبه و جامع در مقیاس چشم‌انداز چندگانه و چند وجهی هستند (تصویر ۳).

با وجود این، ما تنها شاهد پیشرفت روبه‌جلو در امکانات تکنولوژیک و فنی نبوده‌ایم. البته همکاری و شرکت باستان‌شناسان در رکت باستان‌مباحث طولانی‌مدت و چالش‌برانگیزی چون موضوعات مرتبط با تغییرات جهانی نیز دارای اهمیت است. تمایل و توجه باستان‌شناسی به تجزیه و تحلیل تغییرات طولانی‌مدت و شاخصه آن که مطالعه اثر انسانی بر محیط است، به صورت تجزیه و تحلیل مهمترین تغییرات محیطی از سوی برخی

متخصصان باستان‌شناسی چشم‌انداز درآمده است (Redman et al. 2004). این امر باعث شده که امکان یکی کردن چشم‌اندازهای باستان‌شناختی با مباحث کلی‌تر و عمومی‌تر که در آن چشم‌اندازهای اجتماعی-اقتصادی مسلط هستند، وجود داشته باشد و از طرفی مکمل دیدگاه‌های متوازن و متعادل فرهنگی نیز است (به عنوان مثال، Mc Anny & Yoffee 2009) (تصویر ۴).

همکاری باستان‌شناسی با مباحث محیطی و یکی شدن با آن، جنبه‌ی دیگری را از نظر کاربردپذیری عملی (قابلیت اجرا) ایجاد کرده است. در چند دهه‌ی اخیر، رویه‌ها و سیاست‌های مدیریت محیطی به طور فزاینده‌ای اثرات انسانی را به عنوان چیزی که در فضای محدود گنجانده نمی‌شود و بسیار پیچیده‌تر از ابهام و پرسشی ساده در مورد اثر فیزیکی است، مدنظر قرار داده‌اند. باستان‌شناسی نیز که با مدیریت منابع فرهنگی در ارتباط است، به طور فزاینده‌ای نقشی اساسی در این زمینه داشته است (به عنوان مثال، Jones & Slinn 2006). نکته جالب‌تر، استفاده‌ی باستان‌شناسی چشم‌انداز از برخی مفاهیم و موضوعات مرتبط است که این امکان را فراهم ساخته که تأثیر مهمی را بر توسعه‌ی الگوها و پارادایم‌های حاکم داشته باشد.

در پس مدیریت محیطی، این تأثیر در روابط اصلی و عمده که اخیراً به وسیله‌ی مفهوم چشم‌اندازهای فرهنگی شناخته شده، نیز قابل مشاهده است (هرچند خود مفهوم در اصل توسط کارل سوئر در سال ۱۹۲۵ مطرح گردید). دو نهاد و سازمان همسو با هم به انتشار



تصویر ۵. ظهور نسبی اصطلاحات «باستان‌شناسی چشم‌انداز» و «چشم‌انداز فرهنگی» در کتاب‌های منتشر شده در سراسر قرن ۲۰ و ابتدای قرن ۲۱ در کشورهای انگلستان، اسپانیا و فرانسه (داده‌ها به وسیله Google Ngram Viewer (قابل دستیابی در تاریخ ۲ سپتامبر ۲۰۱۱) گردآوری شده‌اند. مقیاس‌ها و سنجه‌های عمودی در هر نموداری متفاوت است.

قانونی در تمام اروپا و فراتر از آن وضع کرد. ELC از مفهوم خودبستگی چشم‌انداز بدون هیچ پیرایه و پیوستی استفاده می‌کند: مفهومی کل‌نگر که امور طبیعی، فرهنگی، محیطی و اجتماعی را یکپارچه می‌سازد. این امر در سازگاری و مطابقت کامل با باستان‌شناسی چشم‌انداز نیز هست و این امکان را فراهم می‌سازد که ادراک کنیم چرا چشم‌انداز به طور فزاینده‌ای در زمینه‌های تجربی، عملی و

این مفهوم کمک کرده‌اند. از یک سو، یونسکو آن را به عنوان مفهومی کلیدی برای مدیریت و حفاظت از میراث فرهنگی با دستورالعمل‌های کاربردی برای اجرا و پیاده‌سازی آن در مورد میراث جهانی تعریف کرده (۱۹۹۲). و از سوی دیگر، مورد پذیرش شورای اروپا در پیمان‌نامه‌ای موسوم به چشم‌انداز اروپایی (ELC) قرار گرفته که این نهاد در سال ۲۰۰۰ اصولی را برای یکپارچه‌سازی چشم‌انداز به عنوان شکلی

مدیریتی وارد شده است (تصویر ۵).

در نهایت، چشم‌انداز مانند هر مفهوم فرهنگی دیگری در باستان‌شناسی، با مجموعه‌ای از مفاهیم تئوریک و نظری که عمدتاً به عنوان نظریات پسااستعماری تعریف می‌شوند، به چالش کشیده شده است. همچنین چشم‌انداز، زمینه‌ای از بحث و استدلال را پیش می‌کشد که نه تنها باستان‌شناختی است، بلکه با دیگر رشته‌های علمی و به ویژه انسان‌شناسی ارتباطات قوی و محکمی دارد. داشتن دیدگاه انتقادی در مقابل بیشتر جنبه‌های باستان‌شناسی به عنوان دانشی که از غرب آمده و یا شکل غربی-شرقی این دانش و نوعی استقلال رأی به نوعی تعدیل یا اصلاح شده. و بیشتر تجارب، رویه‌ها و مفاهیم باستان‌شناسی چشم‌انداز را شامل می‌شود. آنچه در این زمینه ضروری است «در معرض دید قرار دادن تجربه و رویه باستان‌شناختی و مطالعات مرتبط با چشم‌انداز به عنوان پهنه‌ای با بازیگران، علایق و موضوعات متفاوت است که در صورت تشریک مساعی و همکاری همه‌جانبه قادر خواهد بود تا با مطالعات ژئوپولیتیک به تولید دانش دست یابد» (Curtoni 2009: 15). مفهومی که به صورت جامع این دیدگاه‌ها را بیان و در خود خلاصه می‌کند، چشم‌اندازهای رقابتی و با مزیت بالا هستند (Bender & Winer 2001). مباحث و استدلال‌های این چنینی نه تنها باستان‌شناسی چشم‌انداز را به عنوان رشته‌ای برای مطالعه‌ی گذشته، بلکه به عنوان مبحثی برای تحلیل و تفسیر میراث فرهنگی امروز متأثر می‌کند (به عنوان مثال، Schofield 2009).

چشم‌اندازهای بین‌المللی

چشم‌انداز به عنوان یک اصطلاح برای مدت زمان طولانی در ارتباط با باستان‌شناسی بوده است. اما به این صورت نیست که هر استفاده‌ای از چشم‌انداز به عنوان یک اصطلاح و کلمه، دلالت بر استفاده از چشم‌انداز به عنوان یک مفهوم می‌کند. برای اینکه باستان‌شناسی چشم‌انداز به عنوان زمینه‌ای پژوهشی در مسیر درست خود قرار بگیرد، نیازمند یک سری شرایط اساسی و مهم است: محدوده و مرز مطالعاتی آن مشخص باشد، مجموعه‌ای از مفاهیم نظری مشترک داشته باشد، و دارای تکنیک‌ها و روش‌های مناسب متعلق به خود (هرچند نه انحصاری) باشد. از دیدگاه نویسندگان، آنچه باستان‌شناسی چشم‌انداز را شکل می‌دهد، جوهره و ماهیت آن است، نه در نظر گرفتن مدارک و اسناد باستان‌شناختی در مقیاس فضایی گسترده و نه پیوستگی و ارتباط آن با پارادایم و الگوی تئوری و نظری خاصی، اما کاملاً روشن است که بر مفهوم چشم‌انداز تأکید می‌کنیم. و این مفهوم بر چشم‌اندازی دلالت دارد که در نوشته‌های دیوید و توماس «نه به عنوان مفهوم و واحدی که به تجزیه و تحلیل یک محوطه می‌پردازد، در نظر گرفته شده است [...] (بلکه) به عنوان موضوع مقصود بررسی و جستارِ درستی و واقعیت خود آن چشم‌انداز مد نظر قرار می‌گیرد» (2008: 27). مقصود تحقیق و بررسی می‌تواند به عنوان مادی‌سازی رویه‌ها و تجارب اجتماعی در بعد فضایی تعریف شود. باستان‌شناسی چشم‌انداز با تجزیه و تحلیل فرایندهای تفسیر، کارکرد، مفهوم و ارزش‌گذاری به واسطه‌ی ماده فرهنگی

و از طریق زمان نیز مرتبط است. حدود دیگر رشته‌های علمی که به نوعی با چشم‌انداز سر و کار دارند، در برخی موارد می‌توانند انتشار و رواج یابند، اما از این جنبه، ویژگی اختصاصی باستان‌شناسی چشم‌انداز، در حقیقت خود باستان‌شناسی است، یعنی در ارتباط با مواد فرهنگی.

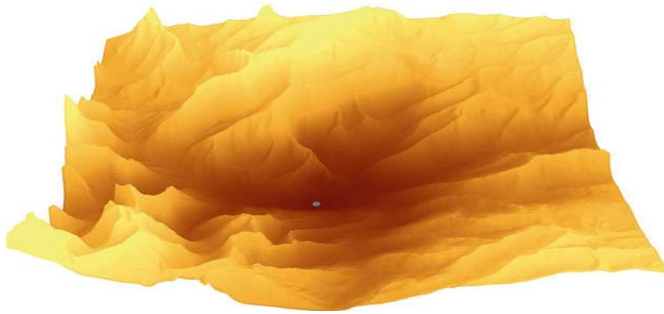
اتفاقی نیست که ادغام و تثبیت مفهوم چشم‌انداز به عنوان مقوله‌ای کلی‌نگر، موضوعات اجتماعی، محیطی و نمادین را با هم یکپارچه سازد، از این رو، اخیراً نیز توسط بسیاری از فعالان و عاملان، باستان‌شناسی چشم‌انداز ادراک گردیده و با ادغام و یکپارچگی چشم‌انداز به عنوان ماهیت و هویتی قانونی و مشروع (و متعاقب آن، ماهیتی سیاسی) منطبق و سازگار است. باستان‌شناسی چشم‌انداز می‌تواند بیش از اندازه نقش و کارکرد مرتبط با سیاست‌های مقاومتی را نشان دهد. این بدان معناست که چشم‌اندازهای باستان‌شناختی باید به عنوان منابع فرهنگی در نظر گرفته شوند که گاهی اوقات نباید تنها مطالعه گردند، بلکه نیامند مدیریت و ادراک نیز هستند. باستان‌شناسی نیز به نوبه خود می‌تواند با اندیشه‌ها و خطوط فکری دیگر رشته‌ها مانند جغرافیا، انسان‌شناسی یا قوم‌نگاری که به نوعی با چشم‌انداز سر و کار دارند، تقویت گردد و این امکان را فراهم می‌سازند که ورای مادیت به تفسیر و مدیریت چشم‌اندازها به عنوان میراث فرهنگی بپردازند.

راهکارها و دستورالعمل‌های آینده

هرچند مباحث مربوط به چشم‌انداز نسبت به اوج فعالیت آن در چند سال پیش، کاهش یافته، اما مباحث مربوط به چشم‌انداز و ایده‌های

متفاوت در مورد باستان‌شناسی چشم‌انداز همچنان باید به فعالیت خود ادامه دهد. ما باید با روشی کاملاً ساده و قابل فهم بیان داریم که از یک سو، دیدگاه‌های فرایندی هرچند قابل اعتماد و اتکا هستند، ولی نسبت به چشم‌انداز رویه‌ی نسبتاً نامطمئنی را پیش گرفته‌اند و از شناسایی و ادراک تمام ابعاد چشم‌اندازهای گذشته و تفسیر آنها عاجزند. از سوی دیگر، طرح‌ها و دیدگاه‌های ارائه شده در قالب پدیده‌شناسی صرفاً مفاهیم و نظریات تئوریک قوی و مستند را توسعه و تکامل داده‌اند، ولی در جذب محققان و افراد علاقه‌مند به این حوزه به دلیل اینکه طرح‌ها و نظریات آنها عمدتاً قابلیت اجرا در زمینه شواهد و اسناد باستان‌شناختی را ندارد، ناموفق بوده‌اند. بدین منظور یا باید این دو دیدگاه متفاوت و ناسازگار با هم را به همین شکل رها کنیم تا به همین شیوه به کار خود ادامه دهند و یا می‌توانیم با روش‌های جدید و ابتکاری که تا حدی توجه به آینده نیز در آن لحاظ شده باشد، آنها را جمع و به هم نزدیک سازیم.

از جنبه دیگر، مباحث مرتبط با پیوندهای میان باستان‌شناسی آکادمیک و علمی و آرا و دیدگاه‌های متفاوت با آن به منظور تأثیرگذاری بر چشم‌اندازها ادامه خواهد داشت، و معنا، مفهوم، ادراک و تشخیص آنها نیز باید شکل و جهت مشخصی داشته باشند. چگونه باستان‌شناسی، پیش از چشم‌اندازهای گذشته می‌تواند با تفسیر معانی، مفاهیم و ارزش‌های متداول و مرسوم سروکار داشته باشد؟ آیا «باستان‌شناسی پژوهش محور» و «ادعاها و دیدگاه‌های متدوال در مورد گذشته» منافعی هر حوزه به حساب می‌آید؟ آیا تعارضات، اختلافات و تناقضات،



باستان‌شناسی چشم‌انداز، تصویر ۶. چشم‌اندازهای دیجیتالی تنها روشی برای بازیابی شیوه‌های عملیاتی پیشین نیستند. آنها می‌توانند چهارچوب جدیدی را برای اشاره و ارجاع به یک دیدگاه و ادراک چشم‌اندازهای باستان‌شناختی فراهم سازند. این تصویر، تکان و حرکتی را موسوم به توپوگرافی «2.5D» نشان می‌دهد: ن میکنی را موسوم به توپوگرافی «ه دیدگاه‌ها مناطق با کمترین ارتفاع را نشان می‌دهند که نسبت به نقطه‌ی مشخص که به صورت یک نقطه‌ی خاکستری تصویر شده و در «قسمت باریک و قیفی شکل» قرار گرفته، در حال حرکت و تغییر جا هستند.

ما در نظر بگیریم که مفهوم «چشم‌انداز غربی» به نوعی تکرار و بازگویی نظرات و ایده‌های قبلی است، چه اتفاقی روی خواهد داد؟ آیا مفهوم چشم‌انداز هنوز هم این اعتبار و ارزش را خواهد داشت تا بافت‌های یک جامعه‌ی چندلایه که مقید به آداب و رسوم خاصی هم نیست، توصیف کند و یا جداسازی و تفکیک مفهومی میان مردمان، اشیاء و سرزمین را توضیح دهد؟

همچنین، دیدگاه‌ها و الگوهای دیگری نیز وجود دارد که ارتباط میان باستان‌شناسی چشم‌انداز و علوم اطلاعات جغرافیایی و به صورت جامع‌تر علوم محاسباتی را بررسی و تجزیه و تحلیل می‌کنند. افزایش یکپارچگی این زمینه‌های علمی در بافتی باستان‌شناختی منجر به پیشرفت‌های جالب توجهی از قبیل نقشه‌برداری یا توپوگرافی شده است. البته این امر خود می‌تواند باعث سوءتفاهم گردد: در این امر هیچ تردیدی وجود ندارد که استفاده از سیستم‌های اطلاعاتی به ما اجازه می‌دهند درک و بینش عمیقی را به دست بیاوریم، اما

اخلاقی، تئوریک و یا حتی هستی‌شناسانه هستند؟ برخی از محققان با موفقیت در مورد «ویژگی و طبیعت مشروط و وابسته‌ی مفهوم غربی چشم‌انداز و به ویژه مشارکت و همکاری آن با سیاست‌های استعماری از نظر تاریخی» استدلال می‌کنند (Lydon 2008: 654). اگر با این استدلال موافق باشیم، باید خاطر نشان ساخت که تنها راه‌حل ممکن در مورد دیدگاه‌ها و ایده‌های مرتبط با چشم‌انداز، فائق آمدن بر مفهومی به نام «وابستگی (یا احتمال وقوع) تاریخی» است که روشی را برای دیدگاه‌ها، آرا و نظرات جایگزین و متفاوت، الگوها و علایق به وجود می‌آورد. هرچند این ابهام و پرسش که چگونه و به ویژه تا چه اندازه این امر امکان‌پذیر است، به قوت خود باقی می‌ماند. برخی از این چالش‌ها، کاملاً مشابه مقولات مبتنی بر اندیشه‌های پدیده‌شناختی و هرمنوتیک (علم تفسیر) شرقی است، به گونه‌ای که به نظرات و مفاهیمی ورای دیدگاه‌های فرایندی و روندگرادر مورد چشم‌انداز، هم از نظر تئوری و هم عملی و تجربی اشاره دارند. اما گذشته از این مورد، اگر

تاکنون رایانه‌ها و تکنولوژی‌های اطلاعاتی به عنوان وسایل ظاهری و صوری در نظر گرفته شده‌اند که گاهی اوقات می‌توانند به عنوان فرایندها و فراگردهای کاری در باستان‌شناسی که پیش از این ایجاد شده بودند، به کارگرفته شوند. این احتمال وجود دارد که برای پیشرفت و توسعه‌آنی که با همه‌ی معانی و ادراکات مبتنی بر اصطلاحات مفهومی و تئوریک، سر و کار دارد، در مورد چگونگی تفسیر چشم‌اندازهای دیجیتال نه تنها به شیوه‌ی بازیابی جهان واقعی، بلکه با چهارچوبی جدید برای ارجاع و اشاره به یک دیدگاه و روشن ساختن آن با روش‌های جدید و متفاوت، توضیح می‌دهد (تصویر ۶).

این سیستم‌ها کمتر در بطن کار مورد استفاده قرار می‌گیرند و بیشتر در حاشیه هستند و به ندرت نیز توسط باستان‌شناسان مورد استفاده و یا پشتیبانی قرار می‌گیرند. این امر به این دلیل است که استفاده از سیستم‌های اطلاعاتی تا حد مهارت فنی مطلوبی تنزل یافته که برخی باستان‌شناسان آن را به اقلام تخصصی باستان‌شناسی افزوده‌اند و به صورت جانبی (نه در متن و بطن کار) از آن بهره می‌برند. در این مورد که فصل مشترک سیستم‌های اطلاعاتی (در اصل رایانه‌ها) و باستان‌شناسی، الگوها و پارادایم‌ها و/ یا زمینه‌های پژوهشی جدیدی را ایجاد می‌کند، شناخت اندکی وجود دارد (Li-obera 2011: 25).

کتاب‌نامه

- ASTON, M. & T. ROWLEY. 1974. Landscape archaeology: an introduction to fieldwork techniques on post-Roman landscapes. Newton Abbot: David and Charles.
- BARRETT, J.C. & I. KO. 2009. A phenomenology of \ landscape: a crisis in British landscape archaeology? *Journal of Social Archaeology* 9: 275-94.
- BENDER, B. & M. WINER. (ed.) 2001. Contested landscapes: movement, exile and place. Oxford: Berg.
- BINTLIFF, J., P. HOWARD & A. SNO-DGRASS. (ed.). 2007. Testing the hinterland: the work of the Boeotia Survey (1989-1991) in the southern approaches to the city of Thespiiai. Cambridge: McDonald Institute for Archaeological Research.
- CURTONI, R. P. 2009. Arqueología, paisaje y pensamiento decolonial. Reflexiones para una diversidad epistémica, in R. Barberena, K. Borrazzo & L.A. Borrero (ed.) *Perspectivas actuales en arqueología Argentina*: 15-31. Buenos Aires: CONICET-IMHICIHU.
- DAVID, B. & J. THOMAS. 2008. Landscape archaeology: introduction, in B. David & J. Thomas (ed.) *Handbook of landscape archaeology*: 27-43. Walnut Creek: Left Coast Press.
- FLEMING, A. 2006. Post-processual landscape archaeology: a critique. *Cambridge Archaeological Journal* 16(3): 267-80
- HAMILTON, S., R. WHITEHOUSE, K. BROWN, P. COMBES, E. HERRING & M. S. THOMAS. 2006. Phenomenology in practice: towards a methodology for a 'subjective' approach. *European Journal of Archaeology* 9: 31-71.
- LYNCH, K. 1960. *The image of the city*. Cambridge: MIT Press.
- JONES, C. & P. SLINN. 2006. Cultural heritage and environmental impact assessment in the Planarch area of North West Europe. Final report. Maidstone: Planarch. Available at: http://www.planarch.org/downloads/library/action_3a_final_report_english.pdf.
- LLOBERA, M. 2011. Archaeological visualization: towards an archaeological information science (AISC). *Journal of Archaeological Method and Theory* 18(3): 193-223.
- LLOBERA, M., P. FA BREGA-A'LVAREZ & C. PARCERO-OUBINA. 2011.

- Directed movement: GIS approach to accessibility. *Journal of Archaeological Science* 38-4: 843-51.
- LYDON, J. 2008. Contested landscapes – rights to history, rights to place: who controls archaeological places?, in
- B. David & J. Thomas (ed.) *Handbook of landscape archaeology*: 654-9. Walnut Creek: Left Coast Press.
- MCANANY, P. A. & N. YOFFEE. (ed.) 2009. *Questioning collapse: human resilience, ecological vulnerability, and the aftermath of empire*. Cambridge & New York : Cambridge University Press.
- REDMAN, C. L., S. R. JAMES, P.R. FISH&J.D. ROGERS. 2004. *The archaeology of global change: the impact of humans on their environment*. Washington: Smithsonian Institution Press.
- REINDEL, M. & G.A. WAGNER. (ed.) 2009. *New technologies for archaeology. Multidisciplinary investigations in Palpa and Nasca, Peru (Natural Science in Archaeology)*. Berlin: Springer.
- SCHOFIELD, J. 2009. Being autocentric: towards symmetry in heritage management practices, in L. Gibson & J. Pendelbury (ed.) *Valuing historic environments*: 93-114. London: Ashgate.
- TILLEY, C. 1994. *A phenomenology of landscape*. Oxford: Berg
- Blackwell.
- BARRETT, J.C., R. BRADLEY&M. GREEN. 1991. *Landscape, monuments, and society: the prehistory of Cranborne Chase*. Cambridge: Cambridge University Press.
- BRADLEY, R. 2000. *An archaeology of natural places*. London: Routledge.
- BUTZER, K.W. 1982. *Archaeology as human ecology*. Cambridge: Cambridge University Press.
- CAMBI, F. & N. TERRENATO. 1994. *Introduzione all'archeologia dei paesaggi*. Roma: Caracci.
- CHOUQUER, G. 2008. *Traité d'archéogéographie. La crise des récits géohistoriques*. Paris: Erance.
- CRIADO BOADO, F. 1999. *Del terreno al espacio: planteamientos y perspectivas para la arqueología del paisaje (CAPA 6)*. Santiago de Compostela: Laboratorio de Arqueología e Formas Culturais. Available at: <http://hdl.handle.net/10261/5698>.
- DARVILL, T. & M. GOJDA. (ed.) 2001. *One land, many landscapes (BAR International series 987)*. Oxford: Archaeopress.
- DAVID, B. & J. THOMAS. (ed.) 2008. *Handbook of landscape archaeology*. Walnut Creek: Left Coast Press.
- FAIRCLOUGH, G. & S. RIPPON. (ed.) 2002. *Europe's cultural landscape: archaeologists and the management of change*. Bruxelles: EAC Secretariat.
- FLEMING, A. 1988. *The Dartmoor Reaves*. London: Batsford.
- GARCIA SANJUAN, L. 2005. *Introducción al reconocimiento y análisis arqueológico del territorio*. Barcelona: Ariel.
- GILLINGS, M., D. MATTINGLY & J. VAN DALEN. (ed.) 2000. *Geographical information systems and landscape archaeology (Mediterranean Landscape Archaeology 3)*. Oxford: Oxbow.
- HICKS, D., L. MCATACKNEY & G. FAIRCLOUGH. (ed.) 2007. *Envisioning landscape: situations and standpoints in archaeology and heritage (One World Archaeology 52)*. Walnut Creek: Left Coast Press.
- JOHNSON, M. 2007. *Ideas of landscape*. Oxford: Blackwell.

منابع برای مطالعه بیشتر

- ASHMORE, W. & A.B. KNAPP. (ed.) 1999. *Archaeologies of landscape. Contemporary perspectives*. Oxford: Blackwell.
- ATTEMA, P., G.J. BURGERS, E. VAN JOOLEN, M. VAN LEUSEN & B. MATER (ed.) 2002. *New developments in Italian landscape archaeology (BAR International series 1091)*. Oxford: Archaeopress.
- BARKER, G. 1995. *A Mediterranean valley: landscape archaeology and annales history in the Biferno Valley*. London & New York: Leicester University Press.
- BARRETT, J.C. 1994. *Fragments from antiquity: archaeology of social life in Britain, 2900-1200 BC*. Oxford:

- KIRCHNER, H. (ed.) 2010. Por una arqueología agraria. Perspectivas de investigación sobre espacios de cultivo en las sociedades medievales hispanicas (BAR International series 2062). Oxford: Archaeopress.
- INGOLD, T. 1986. The appropriation of nature. Essays on human ecology and social relations. Manchester: Manchester University Press
- MUIR, R. 1999. Approaches to landscape. London: Macmillan Press.
- OREJAS, A., D. MATTINGLY & M. CLAVEL-LE VEQUE. (ed.) 2009. From present to past through landscape. Madrid: CSIC.
- SMITH, A. T. 2004. The political landscape: constellations of authority in early complex polities. Berkeley: University of California.
- THURSTON, T.L. 2001. Landscapes of power, landscapes of conflict: state formation in the South Scandinavian Iron Age. New York: Kluwer Academic/Plenum Publishers.
- UCKO, P.J. & R. LAYTON. (ed.) 1999. The archaeology and anthropology of landscape: shaping your landscape. London and New York: Routledge.
- WILKINSON, T.J. 2003. Archaeological landscapes of the Near East. Tucson: University of Arizona Press.



“Contents”

Article

| | |
|---|-----|
| Survey of Cave and the Open Site of Pal Hosseini in Asemanabad Ilam Ali Noorullahi | 4 |
| Columned Halls in Ancient Chorasmia, Iran Michele Minardi, C; Alison V. G. Betts & Gairatdin Khozhaniyazov, Persian translated by Arshak Irvanian | 16 |
| Functioning of Fire Temples and Chartaghi in Ilam Province in Central Zagros Ali Noorullahi | 47 |
| The History of Landscape Archaeology: Major Traditions and Approaches Marina Gkiasta, Persian translated by Samaneh Farroki Isvand | 78 |
| Landscape Archaeology Cesar Parcerro- Oubina, Felipe Craido- Boado and David Bareiro, Claire Smith, Persian translated by Ali Asghar Salahshoor | 123 |
| Studying Past Landscapes: Lived, Reconstructed and Animated Krista Karro; Marika M'agi; Hannes Palang Persian translated by Mohsen Dana | 138 |
| Ethno Archaeology, analogy and Ancient Society Marc Verhoeven, Persian translated by Ali Asghar Salahshoor | 157 |

Critique and Book Review

| | |
|---|-----|
| Archaeological Ethics Hosein Sabri | 179 |
| The Scythians: Nomad Warriors of the Steppe Shahin Aryamanesh | 183 |



ایران ورجاوند

○ ○ ○ ○ ○
|Iran-e Varjavand (Glorious Persia) |
|Persian Journal Of Iranain Studies |
|Vol. 3, No.4, Spring & Summer 2020|

Concessionaire, Manager in Charge
and Editor-in-chief:

|Dr Shahin Aryamanesh|

Managing Editor: **Houshang Rostami**

📍 Tehran, Iran, Post box: 14515-569

🌐 www.iranvarjavand.ir

✉ Iranvarjavand@hotmail.com

☎ +98 9395969466

Scythian Golden Comb, Probably Made
by Greeks, from Solokha, early 4th century,
Hermitage Museum, Russia

All rights reserved. No part of this publica-
tion may be reproduced, stored in a retrieval
system or transmitted in any form or by any
means, electronic, mechanical, photocopying,
recording or otherwise, without prior permis-
sion in writing, form the publisher.

With Contributions by

|Tissaphernes Archaeological Research Group |





Persian Journal of Iranian Studies | Vol. 3 | No. 4 | Spring & Summer 2020



ایران ورجاوند

Iran-e Varjavand
(Glorious Persia)

- ◆ Landscape Archaeology
- ◆ Columned Halls in Ancient Chorasmia, Iran
- ◆ Ethno Archaeology, Analogy and Ancient Society
- ◆ Studying Past Landscapes: Lived, Reconstructed and Animated
- ◆ Survey of Cave and the Open Site of Pal Hosseini in Asemanabad Ilam
- ◆ The History of Landscape Archaeology: Major Traditions and Approaches
- ◆ Functioning of Fire Temples and Chartaghi in Ilam Province in Central Zagros